

از منظومه فنیکیس تا منطق الطیر عطار و استرالیا

دکتر هاشم محمدی

استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی - واحد گچساران

چکیده

ورود منظومه‌های داستانی و حکایات تمثیلی (از زبان پرندگان و حیوانات) به کشورهای اروپایی، انگیزه‌ای شد که شاعران غربی همانند شعرای مشرق‌زمین این‌گونه داستان‌ها و حکایت‌ها را به شکل تمثیل درآوردند و برای اهداف آموزشی خود به کار برند. در میان این منظومه‌ها، منطق الطیر عطار با درون‌مایه رمزی و تمثیلی، افق‌های تازه‌ای از فرهنگ و ادب و عرفان را به روی علاقه‌مندان گشود و سبب شد که بسیاری از خاورشناسان به ترجمه و تحقیق در این باره بپردازند. در این نوشتار، منطق الطیر استرالیا، سروده «آن فربرن» (Anne Fairbarin)، با منطق الطیر عطار مقایسه و ارزیابی شده و شباهت‌ها و همانندی‌ها و وجوه اختلاف و تمایز این دو منظومه، بیان گردیده است. منظومه فنیکیس (phoenix) هم اگرچه در قرن نهم میلادی سروده شده و از نظر زمانی بر دو منظومه دیگر تقدم دارد، اما شباهت‌ها و همانندی‌هایی که با منظومه عطار دارد، گویای این است که شاید همچون منطق الطیر عطار، مأخذ آن، داستان پرندگان در دوران پیش از اسلام و سده‌های اول پس از حمله اعراب باشد.

کلیدواژه‌ها: منطق الطیر استرالیا، منطق الطیر عطار، منظومه فنیکیس، همانندی و شباهت‌ها، وجوه افتراق و تمایز.

تاریخ دریافت مقاله: 87/1/18

تاریخ پذیرش مقاله: 87/4/24

Email: Hashem mohamadi ۴۶۹@yahoo.com

مقدمه

دانش مشرق‌زمین به وسیله حکایات تمثیلی از زبان پرندگان و حیوانات، به زودی راه خود را به سوی کشورهای اروپایی باز کرد. شاعرانی که این‌گونه حکایات را به نظم کشیدند، همانند شعرای مشرق‌زمین، آنها را به صورت تمثیل درآوردند و برای اهداف آموزشی خود به کار گرفتند.

در بین منظومه‌های داستانی و تمثیلی، منطق الطیر عطار، با درون‌مایه رمزی و تمثیلی، از نمونه‌های آشکاری است که افق‌های تازه‌ای از فرهنگ و ادب و عرفان را به روی علاقه‌مندان گشوده است. منطق الطیر عطار مجموعه‌ای است از لطیف‌ترین الفاظ فارسی و بلندترین افکار عارفانه و شیواترین تخیلات شاعرانه که در قالب مثنوی و در وزن کوتاه و پرکاربرد فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلن یا فاعلان (بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور) - که وزن

منتخب مولوی در مثنوی معنوی نیز هست - سروده شده است. تعداد ابیات این منظومه، 4696 بیت⁽¹⁾ و روش عطار در شکل دادن به آن، همانند سبک سنایی غزنوی است. بنا به قول استاد عبدالحسین زرین کوب، «منطق الطیر در واقع یک نوع حماسه عرفانی است، شامل ذکر مخاطره و مهالک روح سالک که به رسم متداول قدما از آن به طیر تعبیر شده است.» (زرین کوب 1362: 126)

داستان اصلی این مثنوی، سرگذشت پرندگانی است که به رهبری هدهد در جست و جوی سیمرغ طی طریق می کنند و پس از گذراندن مراحل و مهالک بسیار، سرانجام به حضرت سیمرغ می رسند، اما جز سی مرغ از بازمانده هزاران مرغ که در طلب سیمرغ گام نهاده بودند، موجود دیگری نمی یابند. در این منظومه داستانی و تمثیلی، برای تفهیم و اثبات یکی از اصول عرفان و تصوف، به وحدت وجود پرداخته شده است. منطق الطیر شامل 192 حکایت فرعی است. 9 حکایت آن به مقدمه اختصاص دارد. میانگین تقریبی هر حکایت 15 بیت است و فقط 4 حکایت بلند دارد که «شیخ صنعان» با 409 بیت، بلندترین آنهاست. (یوسفی 1374: 38)

متفکران آزاداندیش بارها و بارها در طی سده ها از زبان و شخصیت پرندگان در بیان مفاهیم فلسفی و جهان شناختی، حتی در کالبدی که برای همگان قابل فهم بوده است، بهره گرفته اند. تاریخچه این بیان تمثیلی در ایران به دوره ساسانی و به زمان مانی می رسد. برخی از پیشوایان مذهبی چون مانی و مزدک، گذشته از بیان تمثیلی و انشای تشبیهی به نثر و نظم که از راه گوش به مردم می رسانیدند، استفاده از راه چشم را نیز فراموش نمی کردند و با به کار بردن نقاشی چینی، از راه تصویر نیز خواسته های خود را به مردم می رسانیدند. می توان از رنگ مانی را نمونه پیشرفت هنر نقاشی و کلیله و دمنه را نمونه تشبیه سازی بیانی آن دوران به شمار آورد. (منزوی 1379: 47). پس از آن اندیشمندانی چون اخوان الصفا، ابن سینا، غزالی، عین القضاة همدانی، سهروردی و ... از این گونه تمثیل برای بیان اندیشه های سرپوشیده خویش یاری جستند.

پیشینه تحقیق

در نیم قرن گذشته بسیاری از استادان درباره منطق الطیر عطار بحث و تحقیق کرده اند که از جمله ایشان می توان از هلموت ریتز¹، سعید نفیسی، صادق گوهرین، زرین کوب و فروزانفر نام برد. طبق تحقیقات استاد فروزانفر، منطق الطیر عطار، تحت تأثیر رساله الطیر ابن سیناست (فروزانفر 1340: 342). احمد منزوی در فهرست نسخه های خطی فارسی در کتاب سیمرغ و سی مرغ (منزوی 1379: 3236-3243)، تعداد 133 نسخه از منطق الطیر نشان داده که 39 نسخه آن پیش از سال 900 ه. ق نوشته شده است. «همچنین در ذریعه (9: 729) و (19: 308) منطق الطیر شناسانده شده است و چاپ های 23 گانه منطق الطیر در فهرست مشار دیده می شود.» (همان: 16)

تا چندی پیش، تصحیح و شرحی شایسته در دسترس علاقه مندان به ادبیات و عرفان و این متن مهم عرفانی

¹. Helmut Ritter

نمود تا اینکه استاد شفيعی کدکنی در سال 1383 این منظومه را تصحيح و با حواشی بسیار ارزنده‌ای به زيور طبع آراستند.⁽²⁾ تشبیه روان آدمی به مرغ و تن آدمی به قفس و استفاده از زبان مرغان، از ویژگی‌های ادبیات هند و ایران ساسانی و موضوع آن، بیان نظر هند و ایرانی وحدت وجود یعنی اتحاد خدا و جهان است. واژه منطق‌الطیر، از زبان قرآن در داستان سلیمان گرفته شده است.⁽³⁾ بنابر اساطیری که در سده سوم تا هفتم میلادی در میان دیصانیان و مرقونیان و دیگر مذاهب مرکب از ثنویت و تثلیث شهرت داشته است، سلیمان افزون بر پادشاهی که تاریخ یهود حاکی از آن است، مقام پیغمبری هم داشته و زبان مرغان را می‌دانسته است. (سوره نمل 27: 16). برخی از سرایندگان هندی چنین آثاری را طوطی‌نامه یا چهل طوطی و هدهدنامه نامیده‌اند. پس از آمدن عرب‌ها، این‌گونه داستان‌ها به‌وسیله ایرانیان مسلمان به عربی درآمد و سپس تکمیل شد و گسترش یافت که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

الف - ترجمه‌های عربی

- باب‌البوم و الغراب کلیله و دمنه، ابن مقفع (148 ه. ق / 759 م) از پهلوی به عربی

- منطق‌الطیر منسوب به ابومنذر هشام کلیبی (متوفی 250 ه. ق / 820 م) (ابن ندیم 1366: 162)

- الطیر از یعقوب بن اسحاق السکیت (همان)

- رسائل اخوان الصفا (رسالة 22) (منزوی 1379، ج 2: 293)

- الطیر یا شبکه و الطیر ابن سینا (427 ه. ق / 1035 م)، یا سه شرح از:

علی بن شاهک، شریف بن ناصر هاشمی بغدادی و علی بن سلیمان بحرینی به نام مفتاح‌الخیر فی شرح رسالة‌الطیر که در سال‌های اخیر هم ویکتور الکک لبنانی آن را به عربی سروده است.

ب - ترجمه‌های فارسی

- ترجمه‌های رسالة‌الطیر ابن سینا: 1. ترجمه سهروردی با تصحیح دکتر نصر و پروفیسور هنری کرین به سال 1970 در تهران (مجموعه آثار فارسی سهروردی) 2. ترجمه اخسیکتی (احمدبن قاسم بن احمدبن خدیو) 3. ترجمه ملاوجیه‌الدین که به گفته دکتر مهدوی نسخه‌اش به شماره 3688 در کتابخانه اسعد افندی استانبول موجود است.

- ترجمه رسالة‌الطیر ابن سینا و دو شرح بر ترجمه‌های فارسی آن: 1. شرح منسوب به عمر سهلان ساوجی 2. شرحی بی‌نام از محمدباقر سبزواری 3. رساله فارسی دیگری به نام لسان‌الطیر به ابن سینا نسبت داده شده که در فهرست رضوی (ج 4: 132) با عنوان رسالة‌الطیر از مؤلفی ناشناس معرفی شده است⁽⁴⁾ (منزوی 1379: 294). همچنین دو داستان سمبلیک حی بن یقطان و سلامان و ابسال هم از ابن سینا قابل ذکر است و همین‌طور شرح رسالة‌الطیر ابن سینا به نام مفتاح‌الخیر از علی بن سلیمان بحرینی.

- ترجمه برادران غزالی، محمد (505 ه. ق / 1111 م) و احمد (520 ه. ق / 1126 م)، که هر کدام رساله‌ای در داستان مرغان دارند. نخستین ایشان داستان را به زبان عربی و دومین به زبان فارسی نگاشته و شاید یکی

ترجمه دیگری باشد.

- عین القضاة همدانی هم در نامه‌هایش روان آدمی را به مرغ اسپر شده در قفس تن مانند کرده است. (غیف عسیران 1968، ج 1: 200)

- عبهر العاشقین و رساله‌القدس از روزبهان بقلی.

- ترجمه منازل القلوب از الاهی سیمایی که شرح رساله‌القدس روزبهان بقلی شیرازی است.

- ترجمه رساله‌الطیور از نجم‌الدین رازی (655 ه. ق / 1256 م). سهروردی افزون بر ترجمه فارسی رساله‌الطیور ابن‌سینا، چند رساله سمبلیک دیگر هم در این باره دارد که عبارتند از لغت موران، صغیر سیمرخ، آواز پر جبرئیل، عقل سرخ، رساله فی حالة الطفولیه. «چلبی در کشف‌الطنون گوید: میرسید علی همدانی (م 786) گزیده‌ای از منطق‌الطیور عطار برداشته. (ذریعه، 22: 439) همچنین شاعری ترک به نام گلشهری (717 ه. ق / 1317 م) آن را به شعر ترکی ترجمه کرده، سپس امیر علی‌شیر نوایی (909 ه. ق / 1500 م)، بار دیگر آن را به ترکی به نظم درآورده و لسان‌الطیور نام نهاده (ذریعه، 18: 396). ترجمه کردی شیخ صنعان با مقدمه قادر فتاحی قاضی به سال 1346 (1967 م) به وسیله مؤسسه تاریخ و فرهنگ و هنر ایران دانشگاه تبریز منتشر شده است.» (منزوی 1379: 295)

ج - ترجمه‌های انگلیسی

دکتر نوایی 39 خاورشناس را که درباره عطار تحقیق نموده‌اند، یاد کرده که 9 تن از ایشان به ویژه درباره منطق‌الطیور کار کرده‌اند. (همان: 25)

ادوارد فیتز جرال² مترجم و شاعر معروف که رباعیات خیام را به انگلیسی برگردانده، یکی از کسانی است که منطق‌الطیور عطار را ترجمه کرده است، اما آن‌گونه که پیداست، ترجمه او فقط یک سوم متن عطار را شامل می‌شود. پس از او محقق هندی به نام مسانی³ هم به ترجمه منطق‌الطیور دست زده که او هم قسمت‌های مهمی را حذف کرده است. ترجمه دیگر به قلم جان نات⁴ است که او برای ترجمه از متن فرانسوی استفاده کرده است. این ترجمه به نثر است و بعضی از قسمت‌های مهم داستان در آن حذف شده است.

در میان ترجمه‌های منطق‌الطیور می‌توان به ترجمه دیک دیویس⁵، مترجم محقق و مدرس ادبیات فارسی در دانشگاه ایالتی اوهایو، اشاره کرد. وی در ترجمه منظوم زیبای منطق‌الطیور به زبان انگلیسی از قالب مزدوجه حماسی⁶ استفاده کرده است که شباهت زیادی به قالب مثنوی دارد. (تولایی 1380: 7)

دیگر محققان و مترجمان منطق‌الطیور عبارتند از:

۱- Jackson, A.V. Williams. ۱۹۱۷. «The Allegory of The Motis and The Flame», Translated from The *Mantiq -ot-teyr* of farid-ad-Din Attar. *Journal of American oriental soc.* Vol ۳۶, pp. ۳۴۵-۴۷.

^۲. Fitz Gerald

^۳. Messani

^۴. Jann not

^۵. Dick Davis

^۶. Heroic couplet

- ۲- Krehl, Ludolf. ۱۸۵۷. *Compte-rendu de La Poesie Pilosophi-que et Religieuse. Chez Ies Persans d'apres Le Mantic Utteir. Ou le Langage des oiseaux de Farid-ud-Din Attar* Par M. Garcin de Tassy. Gottingen ۱۸۵۸.
- ۳- Masani, R.P. ۱۹۴۲. *The Conference of the birds: a Sufi all-egory, being an abridged veridged version of Farid ud-Din Attar's Manitiq-ot-teyr.* London.
- ۴- Natt, CS. ۱۹۶۱: *The conference of The birds (Mantiqu't-tair): A Philosophical religious poem in prose* Trans Reissue: London, ۱۹۶۱, ۱۵۵ p.
- ۵- S, B. de. ۱۵۵۶. *Lettre Sur Le Mantic-uttair.* (Langage des oiseux) Poeme Persan de Philosophie religieuse Par Ferid ud-din Attar. Paris.
- ۶- Shaikh, Gulam Mohammad Abid. ۱۹۱۱. Translation of *Manteq-ut tair*, Lines ۱-۱۱۱۰. with explanatory notes. Allusions, Life of The Poet and an outline of The book. Ahmedabad, ۱۹۶۲.
- ۷- Taeschner, F. ۱۹۶۲. *Des altrum tukischen Dichters Gulsehri Werk Mantik ut-tayr und Seine Vorlage, das gleichnamige werk des Persischin Dichters Fariduddin Attar.* Nemeth Armagani, PP. ۳۵۹-۳۷۱.
- ۸- Tassy. M. Garcin de. ۱۸۶۳. *Farid-Uddin Attar. Mantic Uttair ou le langage des oiseaux, Poeme de Philosophie religieuse Publie' en persan.* ۱۸۵۷. The Same: Traduit du Persan Par M. Garcin de Tassy.
- ۹- Wricht. Wiliam Aldis (ed). ۱۸۸۹. *A birds-eye View of Farid Uddin Attar,s Bird Parliament.* Letters and literaty remains of Edward Fitz Gerald London, and New York, PP. ۴۳۱-۸۲.

منطق الطیر استرالیا

در سال 1955 میلادی، دیوان شعری با عنوان *منطق الطیر استرالیا*⁷ به وسیله انتشارات Black pepper در سیدنی استرالیا به چاپ رسید که این کتاب منظوم را آن فربرن⁸ با الهام از *منطق الطیر عطار* سروده که به وسیله دکتر محمد تولایی به زبان فارسی برگردانده شده است. تعداد ابیات *منطق الطیر استرالیا*، 408 سطر، یعنی یک دهم متن فارسی است. فربرن در سرودن، تنها طرح اصلی شعر عطار را گرفته و از حکایات فرعی در شعر او خبری نیست. فقدان این حکایات از سویی سبب می شود که شعر «فربرن» در متن زبان انگلیسی بیاید و تنها بر درون مایه وحدت وجود استوار گردد و از سوی دیگر طبیعی است که شعر وی به اندازه شعر عطار موفق به بیان مقاصد عرفانی نشود. زبان او نیز چون زبان عطار رمزی و تمثیلی است. از ویژگی های شعری وی، اقتباس و نقل اشعار مولانا، جامی، حافظ و دیگران و همچنین آیات قرآنی و کلام سهروردی است که با دیگر عناصر شعری وی پیوند طبیعی می یابند. (تولایی 1380: 9). منظومه در قالب شعر سپید⁹، شامل ابیات موزون اما بی قافیه است که با ضرب آهنگ گفتار روزمره مردم انگلیسی زبان بیشترین پیوند و نزدیکی را دارد و تاکنون از تمامی قالب ها در شعر انگلیسی استفاده شده است. (همان: 10)

در این منظومه، هدهد از فراسوی زمان و مکان می گذرد تا به دیدار همزاد خود کبوتر¹⁰ در نیم کره زمین نایل شود. کبوتر با شوق، ندای هدهد را لبیک می گوید و سی مرغ را از صحاری سوزان و باتلاق های سرزمین دهشتناک خویش و از رودها و دریاها و آسمان بیدادگر و درختان پولادین گرد می آورد. مرغان با باوری خالصانه

^۷. An-Australian. Conference of the Birds

^۸. Anne Fairbairn

^۹. Blank-verse

^{۱۰}. Spinifex pigon

یکی می‌شوند و در آسمان دل به سوی نور پرواز می‌کنند تا برای رهایی از معاصی کبیره و اندوه تیره خویش مشکل‌گشایی بیابند.

منظومه فنیکس

فنیکس¹¹ که آن را عنقا، سمندر و سیمرخ هم می‌نامند، در بعضی منظومه‌ها «قفنس» هم نامیده می‌شود. منظومه فنیکس در 677 مصرع و هشت بند، به احتمال زیاد به وسیله یک دبیر کلیسا در عصر «کین دولف»⁽⁵⁾ سروده شده و افسانه کلاسیک و شرقی پرنده‌ای است که با تجدید حیات، خود را جاودان ساخته و سمبل جاودانی در دین مسیح شده است. (بجدیان 1371، ج 1: 98)

قسمت اول منظومه یعنی 380 مصرع اول، ترجمه آزاد شعر لاتین 170 مصرعی فنیکس اثر لاکتانتیوس¹²، شاعر قرن چهارم، و 297 مصرع دیگر، تفسیر تمثیلی آن است. تفسیرهای تمثیلی از بسیاری منابع دانشمندان، به‌ویژه از بیدو امبروز¹³ قدیس، همراه با استعاره‌ها و تفسیرهای تخیلی شاعر اقتباس شده است. منظومه با شرح باغی در مشرق‌زمین که پرنده‌ای افسانه‌ای در آن مأوا گزیده، شروع می‌شود. زیبایی و لطافت پایدار این باغ همانند زیبایی و لطافت بهشت عدن است؛ جایی آرام، درخشان و مسطح که ارتفاعش چهل و هشت ارش بالاتر از هر کوه بلندی است. هوایش نه گرم است و نه سرد، در آنجا از طوفان خبری نیست و برف و باران ندارد. نه پیری است و نه بیماری، نه فقر و نه مرگ، نه اندوه و نه خواب. نهرها و رودهای بسیار زیبا که از آب چشمه‌ها سرچشمه می‌گیرند، سالی دوازده مرتبه زمین را آبیاری می‌کنند. شکوفه‌ها و میوه‌ها جاودانند و درختان همیشه سبز در تمام سال پر از شکوفه‌اند. وقتی طوفان نوح همه دنیا را فرا گرفت، این سرزمین فرخنده آسیب ندید و تا قیام قیامت شکوفا خواهد ماند. در این فردوس جاودان هیچ برگی پژمرده نمی‌شود و هیچ آتشی آن را ویران نمی‌سازد. عنقا در این باغ روزی دوازده مرتبه از آب‌های خنک می‌نوشد و در آن آب‌تنی می‌کند و آن‌گاه پر می‌گشاید تا شاید شگفت‌انگیزترین آهنگی را که از آفرینش جهان تا کنون شنیده نشده، سر دهد. بعد از هزار سال به سرزمینی می‌رود که بشری در آن نیست و مدتی در بیابان میان پرندگان روزگار می‌گذرانند. با وجود قدرتمندی در پرواز وقتی پیری عذابش می‌دهد، به سوی غرب پر می‌کشد، در حالی که پرندگان در اطرافش ازدحام کرده‌اند و آرزوی خدمت به سرورشان را دارند. بدین ترتیب با گروهی از پرندگان به سرزمین سوریه می‌رود و در درختی به نام عنقا که درخشان‌ترین شکوفه‌ها را دارد و تا ابد از گزند روزگار در امان است، شروع به لانه‌سازی می‌کند. دلرباترین ریشه‌ها، میوه‌ها، عطرها و هر گیاهی که خدا آفریده است، در ساختن لانه به کار می‌برد و خود در میان گل‌های زیبا و عطرها معطر آنها می‌نشیند. حرارت آفتاب لانه را مشتعل می‌سازد و آتش گرداگرد او را فرا می‌گیرد. شعله‌ها زبانه می‌کشند و سیمرخ سالخورده در آن آتش چنان می‌سوزد که تا مغز استخوانش خاکستر می‌شود و با گروه پرندگان ستایشگر که چون

¹¹. phoenix

¹². Lactantius

¹³. St Ambrose

حواریون اطراف او را گرفته‌اند، به فردوس مشرق - جایی که مریدان را یارای رفتن نیست - می‌رسد. عنقا شادمان از بازگشت به وطن اصلی تا هزار سال با منتهای زیبایی روزگار می‌گذراند، درحالی‌که بسیاری از پرنندگان که یارای رفتن به فردوس را ندارند، غمگین بازمی‌گردند و در قسمت دوم منظومه، شاعر به تفسیر تمثیلی می‌پردازد و تجدید حیات ققنس را با حکایت‌های دیگر درهم می‌آمیزد. (ابجدیان 1371، ج 1: 100)

سراینده این منظومه عناصر دیگری را از کتاب‌های مقدس و اساطیر و داستان‌های غنایی وارد این داستان کرده و با الهام از حواریون حضرت مسیح، قصه طوفان نوح و تصاویر زیبای بهشت و اوصاف آن از کتاب‌های مقدس، آزادانه داستان اصلی را پروبال داده و به اقتضای هدف آموزشی خود، تغییراتی در آن به‌وجود آورده است. ترسیم زیبای طبیعت به شاعر اجازه داده است تا هر قدر که دلش بخواهد بر اصل داستان بیفزاید. در *منطق‌الطیر استرالیا* هم با عناصری از اسطوره‌های بومی و مذهبی مانند اسطوره هبوط آدم به روایت کتاب مقدس روبه‌رویم. طبیعت و محیط استرالیا در شعر «آن فربرن» منعکس شده است؛ ابرهای طوفان‌زا، بادهای سوزان، برکه‌ها، نزارها، صحاری سوزان و باتلاق‌های سرزمین دهشتناک، رودها، دریاها، درختان پولادین و آسمان بیدادگر و مرغانی که در نیم‌کره شمالی همتایی ندارند و یا اگر داشته باشند از جنبه‌هایی متفاوتند. وی از عناصر طبیعت نیم‌کره جنوبی زمین برای بیان منظور خویش یاری گرفته است.

هر منظومه، تلاش جان‌ها (دیگر پرنندگان) را برای رسیدن به جانان (فردوس شرق، وطن اصلی و آسمان دل در نیم‌کره جنوبی) به‌گونه‌ای نمادین بازگو می‌کند. این پرنندگان هم شیفته حقیقت و رسیدن به مقصد اعلی هستند، با این تفاوت که راهنمای آنان در *منطق‌الطیر عطار*، «هدهد» و در *منظومه فنیکس*، عنقا و در *منطق‌الطیر استرالیا*، کبوتر است.

در هر سه منظومه، پرنده راهنما - که نماد جان‌هاست - از فراسوی زمان و مکان‌ها می‌گذرد تا به فردوس شرق و مقصد اعلی و آسمان دل، به سوی نور، پرواز کند و دیگر پرنندگان، غمگین و ماتم‌زده بازمی‌مانند و اینان همان سالکان طریقی هستند که نمی‌توانند از مراحل و مهالک و عقبه‌های سخت بگذرند و درمانده و عاجز می‌شوند و از رسیدن به مقصد اعلی بازمی‌مانند. (محمدی 1380: 59)

ساختار منظومه‌ها تعلیمی است و هر کدام به شکل سمبلیک و نمادین سعی در نشان دادن اوضاع نابسامان عصر و جامعه خویش دارد و صد البته نکته‌یابی و باریک‌اندیشی و ژرف‌نگری عطار، بهتر و درخشان‌تر جلوه می‌کند. به گفته زرین‌کوب:

با تأمل در حکایات *منطق‌الطیر عطار*، خواننده می‌تواند اطلاعات مفید در باب احوال و اوضاع طبقات اجتماعی عصر عطار به‌دست آورد. (زرین‌کوب 1362: 163)

«آن فربرن» در *منطق‌الطیر استرالیا* با هدفی آگاهانه این داستان رمزی را در زبان انگلیسی به رشته تحریر درآورده تا اوضاع نابسامان عصر و جامعه خویش را نشان دهد. همان‌گونه که یاد شد، او ژرف‌نگری عطار را ندارد و

عارفی نیست که از دنیا و آنچه در آن است، بریده باشد.

موضوع تجدید حیات دوباره سیمرغ و فرو رفتن در شعله‌های آتش و خاکسترشدن و دوباره متولد گردیدن، در *منطق الطیر عطار* و *منطق الطیر استرالیا* وجود ندارد و سراینده این دو منظومه، در واقع پرندگان و عنقا و سمندر را یکی دانسته و خصوصیات پرنده‌های دیگر را به آنان تعمیم داده‌اند. از دیدگاه اساطیری و افسانه‌ای و اصولاً در اصل حقایق وجودی آنها بین سیمرغ و عنقا تفاوت است، اما بیشتر فرهنگ‌های فارسی و به‌ویژه عربی، مرکب این اشتباه شده و هر دو را یکی می‌دانند (سلطانی گرد فرامزی 1372: 2431)

در جلد سیزدهم *دایرةالمعارف اسلامی* به زبان عربی با قید احتمال، سیمرغ را کرکس دانسته‌اند. استاد پورداوود نوعی مرغ شکاری مثل شاهین اراده کرده است. (پورداوود 1377، ج 1: 125)

در *برهان قاطع* آمده است: سیمرغ، عنقا را گویند و معنی دوم آن نام حکیمی است که زال در خدمت او کسب کمال کرد (برهان قاطع: ذیل قاف). با توجه به روایت‌های گوناگون و متناقض که بعدها با افسانه‌های مذهبی سامی و اسلامی درهم آمیخته، می‌توان گفت که سراینده *منطق الطیر استرالیا* از هر کدام از موضوعات و روایات، مطالبی گرفته و با تصویرسازی‌های بدیع خود، داستانی سروده که چارچوب و ساختار اصلی آن، بر مبنای *منطق الطیر عطار* بوده، ولی روایت‌های گوناگون و منابع و مأخذ بی‌شمار در این باره، دست شاعر را در سرودن و توسعه اصل داستان باز گذاشته و در نتیجه شاعر آزادانه در متن اصلی داستان دخل و تصرف کرده است.

سنجش همانندی‌ها و وجوه افتراق

الف - *منطق الطیر استرالیا* و *منظومه عطار*، تلاش مرغان - که مظهر جان‌ها و نمونه و رمز مردم زمانه هستند - را برای رسیدن به مقصد بالا، به گونه‌ای نمادین نشان می‌دهند.

ب - در *منطق الطیر استرالیا*، مرغان شیفته حقیقت، مهالک و مخاطره‌های دشوار را همچون هفت وادی عطار سپری می‌کنند و از وادی‌ها، صحاری سوزان، باتلاق‌های سرزمین دهشتناک، رودها، دریاها، آسمان بیدادگر و درختان پولادین، عبور می‌نمایند، ولی در *منظومه فنیکس* از این گذرگاه‌های دشوار خبری نیست.

ج - پرنده راهنما که نقش پیر و مرشد را دارد، در *منطق الطیر عطار*، هدهد و در *منطق الطیر استرالیا*، کبوتر و در *منظومه فنیکس*، عنقا است که از فراسوی زمان‌ها و مکان‌ها می‌گذرد و دیگر مرغان، بی‌مدد او نمی‌توانند به حق واصل شوند. در *منطق الطیر استرالیا*، هدهد پس از دیدار با کبوتر، در دیار خویش در نقش پیشوا و رهبر، به ارشاد مرغان می‌پردازد.

د - مرغان در *منطق الطیر عطار*، باز، بط، بلبل، بوتیمار، بوف، تذرو، چرغ، دراج، صعوه، طاووس، طوطی، عندلیب، فاخته، قمری، کبک، مرغ زرین، موسیچه، هدهد و هما هستند و او از دو پرنده به نام‌های چاوش عزت و حاجب لطف هم نام برده شده که اولی مقام پاس درگاه سیمرغ را دارد و رفتار او با نوعی خشونت همراه اوست و حاجب لطف به عکس چاوش، نمونه لطف و مهربانی است.

پرنندگان منظومه استرالیا، مرغ بهستی، قرقاول مرداب، نویزی ماینر، مرغ چنگ، کبوتر، قمری، طوطی کاکلی، امیو، دم جنبانک، کاکابورا، مرغ کاسواری، رولگا، مرغ زنگوله، طوطی طوقی، طوطی مولگا، سیدکاپ، اسماتی و ... هستند، که این مرغان متعلق به نیم‌کره جنوبی‌اند و در جاهای دیگر همتایی ندارند.

در منظومه فنیکس از پرندۀ افسانه‌ای عنقا سخن به میان آمده و شاعر او را با سیمرخ و سمندر یکی دانسته است و دیگر پرنندگان با عنوان گروه پرنندگان ستایشگر آمده‌اند.

هـ- از دیگر وجوه مشترک هر دو منظومه عطار و استرالیا، مقاومت سالک در برابر ارشاد پیر است. در منطق‌الطیر عطار، مرغان به امید گریز از اطاعت فرمان هدهد، پیشنهاد قرعه‌کشی می‌دهند تا هر که بر نامش افتد، پیشوا شود و در منطق‌الطیر استرالیا هنگامی که کبوتر عقاب را فرامی‌خواند و از وی می‌خواهد به رسم پیشکش به پیشگاه سیمرخ به نیابت همگان مثنی پشم گوسفند بردارد و آن را روی عکس خورشید در آب بگذارد، کبوتر غرغرنان به او پاسخ می‌دهد:

چون ارباب‌ها امر و نهی مکن که من عقابی آزاده‌ام، بی‌حکم و دستور تو پشم خواهم آورد. اگرچه در این راه صید شوم. (تولایی 1380: 13).

همچنین در منطق‌الطیر استرالیا همچون منظومه عطار، در پایان سلوک، از خیل مرغان، سی مرغ به جا می‌مانند که در پی حیرت، حقیقت همچون آینه‌ای برایشان جلوه‌گر می‌شود و مرغان پویۀ آن دارند که مسائل دنیوی را کنار نهاده، به پیشگاه معبود حقیقی رو آورند و جمال الهی را در آینه دل بنگرند.

و- درون‌مایۀ اصلی هر دو منظومه (فنیکس و استرالیا) همانند منطق‌الطیر عطار، عشق و حق است و پرنندگان (سمبل انسان‌ها) در آنها شوق وصال در سر دارند تا به مقام حق و فنا برسند. جایگاه نهایی و معبود حقیقی که در منطق‌الطیر عطار ذات اقدس سیمرخ است، در منطق‌الطیر استرالیا در نیم‌کره جنوبی و در منظومه فنیکس، باغی در مشرق زمین، به زیبایی و لطافت بهشت عدن، فردوس برین و رسیدن به عنقا و درختی به همین نام است. در منظومه عطار، جایگاه سیمرخ، کوهی به نام قاف است. یاقوت حموی در معجم‌البلدان درباره قاف نوشته است:

کوهی است که گرداگرد زمین را فراگرفته است. گروهی بر آنند که جنس آن از زبرجد سبز است و رنگ سبز آسمان از آن است. (یاقوت حموی، بی‌تا: 118)

«کازیمیرسکی درباره قوه قاف نوشته است: گویند عنقا بدان آشیان دارد و هم گویند مراد جبال قفقاز و قبق است» (لغت‌نامه دهخدا: ذیل واژه). در منظومه انگلیسی فنیکس جایگاه این پرندۀ درختی به نام عنقا است که شاید متأثر از اوستا باشد، چون در اوستا اصولاً از کوهی به نام جایگاه سیمرخ یاد شده، ولی آشیان سیمرخ را بر درخت ویسپویش⁽⁶⁾ در میان دریای فراخکرت دانسته است (پوردادوود 1377: 125). توصیف درخت و شکوفه‌های زیبا و جاودانگی و معطر بودن آن، همه مانند روایت اوستاست. در شاهنامه فردوسی، البرزکوه محل آشیان سیمرخ معرفی شده و شیخ شهاب‌الدین سهروردی در تمثیل‌های خود از هر دو مفهوم کوه و درخت استفاده

کرده است.

نتیجه

منظومه استرالیا نوشته آن فربرن همچون منطق الطیر عطار، ساختاری تعلیمی دارد و با هدفی آگاهانه و به شکل رمزی و نمادین، در نشان دادن اوضاع نابسامان جامعه و عصر خود می‌کوشد و در این راه، تلاش مرغان - که مظهر جان‌ها و نمونه و رمز مردم هستند- را برای رسیدن به حقیقت و مقصد اعلی نشان می‌دهد. گذر مرغان شیفته حقیقت از گذرگاه‌ها و مهالک دشوار به رهبری پرنده راهنما - که نقش پیر و مرشد را دارد - و مقاومت آنان همچون مقاومت سالک در برابر ارشاد پیر، از موضوعاتی است که با الهام از منطق الطیر عطار سروده شده است.

آن فربرن در این منظومه، تنها طرح اصلی منطق الطیر را گرفته و از حکایات فرعی در شعر او خبری نیست، در حالی که عطار در منظومه خود 192 حکایت فرعی آورده است. در منطق الطیر استرالیا اقتباس از اشعار مولانا، جامی، حافظ و دیگران و همچنین آیات قرآنی و کلام سهروردی آورده شده که با دیگر عناصر شعری پیوندی طبیعی یافته‌اند. منظومه فنی‌کس که از نظر زمانی بر هر دو منظومه مقدم است، نیز ساختاری تعلیمی دارد و تلاش پرندگان (جان‌ها) را برای رسیدن به جانان (فردوس شرق) و با گذر از فراسوی زمان‌ها و مکان‌ها و مراحل سخت و دشوار، به رهبری پرنده راهنما، نشان می‌دهد. این همانندی و شباهت‌ها، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که شاید مأخذ آنها داستان‌هایی بوده که از زبان پرندگان پیش از دوره اسلامی یا سده‌های اول در ادبیات ایران و هند بیان شده و به وسیله سراینده‌گان و نویسندگان به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است.

پی‌نوشت

1- شماره ابیات در چاپ پاریس (1875 م)، 46470 بیت و به نوشته استاد فروزانفر در کتاب شرح احوال و تحلیل آثار عطار (1340)، دارای 4458 بیت و 174 حکایت است. محمد جواد مشکور در پیشگفتار خود بر چاپ تبریز (1961)، تعداد ابیات را 4600 بیت دانسته است (برزی 1374: 134). در تصحیح سید صادق گوهرین، شماره ابیات 4696 و در چاپ دکتر شفیع کدکنی 4729 بیت است.

2- این منظومه با مقدمه، تصحیح و تعلیقات ارزنده به وسیله انتشارات سخن در تهران (1384) به زیور طبع آراسته شده است.

3- سوره نمل (16:27) از گفته سلیمان: ای مردم ما زبان پرندگان آموخته‌ایم.

4- این رساله گمنام، به همراه رساله الطیر ابن سینا که شارح آن عمر بن سهلان ساوی است، به اهتمام محمدحسین اکبری به وسیله انتشارات الزهراء، در سال 1370 در تهران به چاپ رسیده است.

5- کین وولف، شاعر انگلیسی کهن (اوایل سده نهم میلادی)، آدمی مذهبی بوده که دست کم سراینده چهار منظومه است: جولیا، سرنوشت حواریون، مسیح، البینه، (تراویک 1376، ج 2: 968).

6- ویسپویش: به معنای همه را درمان بخش، در بندهش به صورت هماک پژشک یعنی پزشک و دارو و درمان همه چیز آمده است. پورداوود توضیح داده است: ویسپویش اوستا یا همام پژشک پهلوی، صفت درخت مذکور است. اسم خود آن درخت در کتب پهلوی (هرویسپ تخمک) ضبط شده است، یعنی درخت کلیه گیاه و رستنی (پورداوود 1377، ج 1: 577)

کتابنامه

- ابجدیان، امرالله. 1371. *تاریخ ادبیات انگلیسی (ادبیات انگلیسی قدیم)*. ج 1. چ 2. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ابن سینا. 1370. *رساله الطیر*. شارح: عمر بن سهلان ساوی. به اهتمام محمدحسین اکبری. چ 1. تهران: الزهرا.
- ابن ندیم. 1366. *الفهرست*. ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد. تحقیقات و تعلیقات نوین مهین جهان بلگو تجدد. چ 1. تهران: امیرکبیر.
- برهان قاطع.
- برزی، اصغر. 1374. *شرح کامل منطق الطیر نیشابور*. چ 2. بناب: اعظم.
- پورداوود، ابراهیم. 1377. *یشتها*. چ 1. تهران: اساطیر.
- تولایی، محمد. 1380. «از منطق الطیر عطار نیشابوری تا منطق الطیر استرالیایی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. دوره اول. ش 1.
- تراویک، باکتر. 1376. *تاریخ ادبیات جهان*. ترجمه عربعلی رضایی. چ 2. تهران: فرزانه.
- زرین کوب، عبدالحسین. 1362. *باکاروان حله (مجموعه نقد ادبی)*. چ 5. تهران: جاویدان.
- سلطانی گردفرامزی، علی. 1372. *سیمرغ در قلمرو فرهنگ ایران*. چ 1. تهران: مبتکران.
- عطار نیشابوری. 1384. *منطق الطیر*. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. چ 1. تهران: سخن.
- عفیف عسیران. 1968. *عین القضاة همدانی*. بیروت.
- فروزانفر، بدیع الزمان. 1340. *شرح احوال و نقد آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری*. چ 1. تهران: انجمن آثار ملی.
- لغت نامه دهخدا.
- محمدی، هاشم. 1382. «منظومه فنیکس». *کیهان فرهنگی*، س 20. ش 206.
- منزوی، علینقی. 1379. *سیمرغ و سی مرغ*. چ 1. تهران: راه مانا.
- یاقوت حموی. بی تا. *معجم البلدان*. تهران: چاپ اسدی.
- یوسفی، حسنعلی. 1374. «نقد تحلیلی حکایت های بلند منطق الطیر». *بینالود (ویژه کنگره جهانی بزرگداشت عطار)*. ش 9.